

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صص ۳۲-۷۳

سازه‌های تصریفی فعل واژگانی خودایستا در گویش کُرتَه (قلعه‌گنج)

عباسعلی آهنگر* سپهر صدیقی نژاد**

چکیده

کُرتَه از جمله گویش‌هایی است که گونه‌های آن در شهرستان‌های رودبار جنوب و قلعه‌گنج در جنوب استان کرمان رواج دارد و از منظر جغرافیای کاربرد زبان، در مرزگاه برخورد گویش رودباری، وابسته به گروه گویش‌های بَشکَرَدی (=بِشاگردی) و متعلق به خانواده زبان‌های ایرانی جنوب غربی، با گویش بلوچی مکرانی از اعضای خانواده زبان‌های ایرانی شمال غربی، واقع گردیده است. لذا به درستی می‌توان پیش‌بینی نمود که گویش مزبور از منظر ویژگی‌های زبان‌شناختی نقش حلقه اتصال این دو خانواده زبانی را ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی همزمانی، می‌کوشد سازه‌های تصریفی موجود در ساختمان فعل واژگانی خودایستا در گونه کُرتَه رایج در شهرستان قلعه‌گنج را توصیف زبان‌شناختی نماید. برای این منظور، یک پیکره زبانی از طریق ضبط گفتار آزاد و گفت‌وگوهای ۷ گویشور زن و مرد میان‌سال به بالا و بیسواد بومی گردآوری و تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در ساختمان افعال مزبور پانزده سازه تصریفی به کار می‌رود که زیر سه عنوان کلی جای می‌گیرند: ۱- ستاک (گذشته و حال) فعل؛ ۲- سازه‌های پیش‌فعلی: شامل پیش‌بست فعلی a-(P)، پیشوندهای نفی، نهی، وجه التزامی، وجه امری و واژه‌بست‌های فاعلی پیش‌بستی؛ ۳-

* دانشیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) ahangar@english.usb.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان seddiqui_nejad@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۱/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۴

سازه‌های پس‌فعلی: شامل پسوندهای گذشته‌ساز، سببی‌ساز، استمرارساز، نشانه صفت مفعولی، فعل ربطی اسنادی، شناسه‌های شخصی فاعلی، واژه‌بست‌های عامل فاعلی و مفعولی. به علاوه، گویش کُرتَه در نظام گذشته فعل از ساخت کُنایی دوگانه نیز بهره می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: گویش کُرتَه، ساختواژه تصریفی، سازه‌های تصریفی فعل، فعل واژگانی، خودایستا.

۱. مقدمه

در استان کرمان و در منطقه رودبار زمین - شامل شهرستان‌های جیرفت، کهنوج، مَنوجان، عنبرآباد، رودبار جنوب، قلعه‌گنج و فاریاب - جامعه‌ای زندگی می‌کنند که در آن، زبان و گویش از جایگاه بسیار تاثیرگذار و بسزایی در میان شاخص‌های زندگی اجتماعی برخوردار است، امری که حتی در مورد شهرستان‌های جنوبی قلعه‌گنج و رودبار جنوب نقش تعیین‌کننده‌تری دارد؛ چرا که در اولین برخورد با افراد، این تعامل زبانی است که مبنای تعیین و قضاوت درباره دیگر شاخص‌های اجتماعی از قبیل نژاد، طبقه و رفاه اجتماعی قرار می‌گیرد. در منطقه گسترده رودبار زمین سه زبان فارسی، بلوچی و بُراهویی، در کنار گویش غالب منطقه، یعنی رودباری با گونه‌های متعدد آن، تکلم می‌شود و کُرتَه (Korta) نیز نزدیک‌ترین گویش به بلوچی مکرانی در آن است. به نظر می‌رسد در درجه اول، نام این گویش از تلفظ صفت مفعولی مصدر kort-en «کردن» به صورت kort-a «کُرتَه» توسط گویشوران آن آمده باشد، هرچند محمدی‌نیا (۱۳۷۳) نام آن را برگرفته از چهار واج /k, t, r, h/ می‌داند که به ترتیب دارای بیش‌ترین بسامد کاربرد و وقوع در گویش مزبور هستند. به هر روی، (گویش) کُرتَه به لحاظ گستره جغرافیایی کاربرد تنها در شهرستان‌های قلعه‌گنج و رودبار جنوب از استان کرمان رواج دارد که شهرستان‌های مرزی این استان با استان سیستان و بلوچستان می‌باشند و به لحاظ ویژگی‌های زبانی نیز نقش حلقه اتصال گویش بلوچی مکرانی به

عنوان گونه‌ای از زبان بلوچی از اعضای خانواده زبان‌های ایرانی شمال غربی با (گویش) رودباری را ایفا می‌کند که از خانواده زبان‌های ایرانی جنوب غربی است، بدان معنا که گُرته مرزگاه برخوردار زبانی^۱ زبان بلوچی با رودباری می‌باشد.^۲ افزون بر این، محمدی‌نیا (۱۳۷۳: ح) آن را دارای سی هزار گویشور بومی و زیرگروه گویش‌های بَشاکردی و منتسب به خانواده زبان‌های ایرانی جنوب غربی می‌داند که در گستره‌ای حدود ۹۰۰ کیلومتر مربع رواج دارد.

۱-۱. بیان مساله

از دیدگاه اندرسون^۳ (۱۹۹۸)، کراز^۴ (۲۰۰۴)، کاتامبا^۵ و اشتنهام^۶ (۲۰۰۶)، آکماجیان^۷ (۲۰۱۰)، هسپلمت^۸ و سیمز^۹ (۲۰۱۰)، کریستال^{۱۰} (۲۰۱۲)، تجویدی (۱۳۹۳) و شقاقی (۱۳۹۵) ساختواژه بخشی از دستور زبان است که ساختمان درونی واژه‌ها- یعنی ترکیب تکواژها به منظور تشکیل واژه‌ها- و روابط آن‌ها با واژه‌های دیگر را تحلیل و بررسی می‌کند، حال آن‌که نحو با چگونگی ترکیب واژه‌ها با یکدیگر و ایجاد واحدی بزرگ‌تر یعنی جمله سر و کار دارد. به علاوه، در تعریف برد^{۱۱} (۱۹۹۵: ۱) از ساختواژه، تاثیر

^۱ language contact

^۲ به عنوان شاهدهی بر این مدعا می‌توان به پیوستار تحولات واج لبی شده^۳ XV از اوستایی به صورت‌های hw, w, x و xw به ترتیب در زبان بلوچی، گُرته، رودباری و زبان فارسی اشاره نمود که پیوستاری را از غلبه کامل مشخصه لبی‌شدگی به سمت حذف کامل آن تشکیل می‌دهند.

^۳ Anderson

^۴ Kiraz

^۵ Katamba

^۶ Stonham

^۷ Akmajian

^۸ Haspelmath

^۹ Sims

^{۱۰} Crystal

^{۱۱} Beard

سایر حوزه‌های زبان از جمله واج‌شناسی، نحو و معناشناسی را به وضوح می‌توان دید که ساختواژه را در اصل مجموعه‌ای از تمام ابزارهای واجی در جهت بیان ارتباط میان سازه‌های واژه‌ها، واژه‌ها در گروه و سازه‌های گروهی در جمله قلمداد نموده و واژه را به عنوان عنصر کلیدی ساختواژه، نشانه‌ای متشکل از ارتباط درونی و دوسویه میان آوا و معنا، و هدف اصلی ساختواژه را ایجاد ارتباط بین آوا و معنا در درون واژه و در میان واژه‌ها می‌داند. به علاوه، از منظر برُد (۱۹۹۵: ۱) موضوعات اصلی ساختواژه عبارتند از آنچه آواهای زبانی را تشکیل می‌دهد، آنچه معنای زبانی را شکل می‌دهد، و این‌که چگونه این دو باهم در ارتباط هستند و لذا از آن‌جا که در مباحث زبان‌شناختی این مسائل در جایگاه محوری قرار دارند، باید ساختواژه را هسته مطالعات زبانی دانست.

به هر حال، باید گفت اگرچه زبان‌شناسان تعاریف متعددی از ساختواژه ارائه نموده‌اند، ولی اکثر آن‌ها بر این نکته اتفاق نظر دارند که ساختواژه مطالعه ساختار درونی واژه‌ها یعنی مطالعه واحدهای معنادار واژه‌ها است. با وجود این، از دیدگاه شقاقی (۱۳۹۵: ۹) هیچ‌کدام از تعاریف ارائه شده برای ساختواژه به هدف نهایی از انجام مطالعات ساختواژی اشاره‌ای ننموده‌اند که همانا دست‌یافتن به نظریه‌ای است که دو منظور زیر را برآورده سازد:

الف: توصیف دقیق و صریح ساختمان و عناصر سازنده واژه‌های زبان و شناسایی قواعد ساختواژی.

ب: توصیف دستور و ساختواژه هسته‌ای یا جهانی و تبیین تنوع ساختواژی در زبان‌های مختلف دنیا.

این در حالی است که هسپلمت و سیمز (۲۰۱۰: ۶) هدف نهایی پژوهش‌های ساختواژی را «توصیف و تبیین الگوهای ساختواژی در زبان‌های بشری» و به طور

خاص‌تر، شامل چهار ریز-هدف «توصیف کارآمد، توصیف واقع‌گرایانه شناختی، تبیین برون‌سازمانی و یک سازوکار محدودکننده برای توصیف» می‌دانند.

از سوی دیگر، در زبان‌شناسی جدید ساختواژه به دو زیرشاخه ساختواژه تصریفی و ساختواژه اشتقاقی تقسیم می‌شود. از دیدگاه هسپلمث و سیمز (۲۰۱۰: ۱۸) ساختواژه تصریفی رابطه میان صورت-واژه‌های^۱ یک پایه واژگانی^۲ را بررسی می‌کند. فاسولد^۳ و کور لیتن^۴ (۲۰۰۶: ۵۰۴) معتقدند «در ساختواژه تصریفی در ساختار واژه دخل و تصرف ایجاد می‌گردد تا در نقش نحوی مورد نظر جای گیرد». تجویدی (۱۳۹۳: ۱) نیز بر این باور است که در این نوع ساختواژه «به نقش نحوی واژه پرداخته می‌شود، بدین معنی که تغییر یا تغییرات به وجود آمده در ساختمان واژه به سبب نقش نحوی آن در جمله مورد مطالعه قرار می‌گیرد». به علاوه، از دیدگاه بوی^۵ (۲۰۰۷: ۹۹-۱۰۰) ساختواژه تصریفی به بررسی مقوله‌های ساختواژی-نحوی^۶ واژه‌ها به ویژه اطلاعات ساختواژی-نحوی فعل شامل شخص^۷، شمار^۸، جنس دستوری^۹، زمان دستوری^{۱۰}، نمود^{۱۱}، وجه^{۱۲}، و جهت^{۱۳} می‌پردازد.

همچنین، استامپ^{۱۴} (۲۰۰۱: ۳۸) اعتقاد دارد مفهوم «ساختواژی-نحوی» در راستای توصیف شکل‌گیری صیغگان تصریفی یک زبان در کانون اهمیت قرار دارد و در هر

¹ word-forms

² lexeme

³ Fasold

⁴ Connor-linton

⁵ Boojz

⁶ morpho-syntactic categories

⁷ person

⁸ number

⁹ gender

¹⁰ tense

¹¹ aspect

¹² mood

¹³ voice

¹⁴ Stump

زبانی که دارای خصوصیت تصریف است، هر واژه تصریفی در جمله دارای مجموعه‌ای از خصوصیات ساختواژی-نحوی است. به علاوه، پایین^۱ (۲۰۰۶: ۹۹) خصوصیات مقوله‌های ساختواژی-نحوی را چنین برمی‌شمرد:

۱. لزوماً با یکدیگر رابطه‌ای سازمان‌یافته و نظام‌مند ندارند.

۲. خاص هر زبان هستند و قابل مقایسه با زبان دیگر نیستند.

این در حالی است که از دیدگاه هسپلمث و سیمز (۲۰۱۰: ۱۸) ساختواژه اشتقاقی به بررسی رابطه میان واژه‌های قاموسی در یک خانواده واژگانی^۲ می‌پردازد.

افزون بر این، بر پایه بوی (۲۰۰۷)، افعال از نقطه‌نظر زمانداری^۳ به دو دسته افعال خودایستا^۴ یا زمان‌دار و ناخودایستا^۵ یا بی‌زمان دسته‌بندی می‌شوند. افعال خودایستا برای مقوله‌های ساختواژی-نحوی زمان، نمود، وجه، جهت، جنس، شخص و شمار صرف می‌شوند ولی افعال ناخودایستا، شامل مصدر^۶، اسم مصدر^۷ و وجه وصفی^۸، فاقد این مقوله‌های ساختواژی-نحوی‌اند و بنابراین، هم دارای ویژگی فعلی و هم صفتی یا فعلی می‌باشند. گفتنی است نوع ستاک^۹ فعل نیز در تحقق انواع این مقوله‌ها نقش مهمی دارد.

با توجه به آنچه بیان گردید، می‌توان انواع عناصر ساختواژی نشان‌دهنده اطلاعات یا مقوله‌های ساختواژی-نحوی موجود در ساختمان تصریفی فعل واژگانی خودایستای کُرتَه را از منظر زبان‌شناسی همزمانی بررسی، شناسایی و توصیف کرد.

^۱ Payne

^۲ word family

^۳ tensedness

^۴ finite

^۵ non-finite

^۶ infinitive

^۷ gerundive

^۸ participle

^۹ stem

۲-۱. پیشینه تحقیق

محمدی‌نیا (۱۳۷۳) به عنوان تنها پژوهش زبان‌شناختی اختصاص یافته به کُرته، به بررسی پانصد واژه منتخب از گویش مزبور در قالب چهار بخش مجزا و به ترتیب از منظر واج‌شناختی، ساختوازی، معنایی و کاربردشناختی می‌پردازد. بخش دوم پژوهش فوق در قالب ساختواژه کُرته تنها به معرفی ساختمان هجا، بُرش هجایی، وندها و تکواژهای واژه‌ساز (بر اساس معیارهای آوایی، معنایی و میزان تکرار) پرداخته و به سازه‌های تصریفی موجود در ساختمان فعل واژگانی خودایستای این گونه زبانی هیچ اشاره‌ای ننموده است. اما بررسی‌های ساختوازی اندکی نیز با محوریت موضوع پژوهش حاضر درباره گویش‌های نزدیک به کُرته صورت پذیرفته است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. مطلبی (۱۳۸۵) از جمله پژوهش‌های زبان‌شناختی است که به بررسی عناصر تصریفی فعل در گونه رودباری رایج در شهرستان رودبار جنوب و به معرفی ماده‌های حال، گذشته و گذشته جعلی فعل، پسوندهای سببی‌ساز و مصدرساز، صفت مفعولی، وندهای نشان‌دهنده وجه، نمود و نفی، شناسه‌های فاعلی، ضمائر شخصی فاعلی و تصریف فعل در زمان‌ها و وجوه مختلف این گونه زبانی می‌پردازد. آهنگر (۲۰۰۷) نیز در راستای توصیف دستگاه فعلی در گونه بلوچی سرحدی رایج در منطقه گرُنچین از توابع خاش، به توصیف مقوله‌های دستوری ذاتی فعل شامل مطابقه، زمان، وجه و نمود و نیز مقوله رابطه‌ای جهت در گونه زبانی مذکور می‌پردازد که هر کدام در قالب عنصر/عناصر تصریفی خاصی در ساختمان فعل تجلی می‌یابند. به علاوه، کریمی دادکان (۱۳۹۱) به منظور بررسی ساختواژه تصریفی و اشتقاقی گونه بلوچی رایج در مناطق ساحلی چابهار و کُنارک، به معرفی عناصر ساختوازی-نحوی موجود در طبقات دستوری اسم، فعل، صفت، قید و حرف، و نیز فرایندهای واژه‌سازی اشتقاق،

ترکیب و تکرار در این گونه زبانی می‌پردازد و به طور مشخص، مقوله‌های ساختوازی- نحوی موجود در فعل شامل زمان، نمود، وجه، مطابقت و جهت را در این گونه زبانی معرفی می‌نماید. همچنین، آهنگر و همکاران (۱۳۹۲) به مطالعه ساختار تصریفی افعال خودایستا و ناخودایستای گونه زبانی بلوچی سرحدی رایج در منطقه گرنچین می‌پردازند و برای افعال خودایستای این گونه زبانی چهار عنصر یا سازه تصریفی^۱ شامل جزء فعلی، ستاک فعلی، وندها و فعل ربطی، و برای افعال ناخودایستای آن نیز دو عنصر تصریفی کلی شامل ستاک فعلی و پسوندهای خاص مصدر، اسم مصدر و وجه وصفی برمی‌شمرد. از دیگر آثار مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، دری و همکاران (۱۳۹۲) است که با اتخاذ رویکردی سنتی و با نگرشی ادبیاتی، به توصیف عناصر موجود در ساختمان گروه فعلی گونه رودباری رایج در منطقه کوهشهری (شهرستان منوجان استان کرمان) مبادرت ورزیده است. به طور خاص، پژوهش مزبور به معرفی شناسه‌های فعلی، ستاک فعل، پیشوندهای فعلی، صفت مفعولی و تصریف فعل در زمان‌های مختلف، عامل سببی، مصدر و نیز ساخت مجهول در گونه زبانی مورد بررسی پرداخته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲. بحث

پس از طرح مقدمات لازم، اکنون در ادامه به معرفی و بررسی سازه‌های تصریفی فعل واژگانی خودایستای کُرتّه بر اساس مقوله‌های ساختوازی-نحوی آن‌ها خواهیم پرداخت. به علاوه، در جاهای مقتضی دیدگاه‌های پژوهشگران پیشین درباره برخی از عناصر تصریفی فعل نیز مطرح خواهند شد. از دیدگاه کلی، در ساختمان افعال واژگانی خودایستای کُرتّه پانزده سازه تصریفی مشاهده می‌گردد که در ادامه سه عنوان اصلی

^۱ inflectional constituent or element

توصیف خواهند شد: ۱. ستاک (گذشته و حال) فعل؛ ۲. سازه‌های پیش‌فعلی^۱ شامل پیش‌بست فعلی^۲ a-(P)، پیشوندهای نفی، نهی، وجه امری، وجه التزامی و واژه‌بست‌های فاعلی پیش‌بستی^۳ ۳. سازه‌های پس‌فعلی^۴ شامل پسوندهای گذشته‌ساز، سببی‌ساز، استمرارساز، نشانه صفت مفعولی، فعل ربطی اسنادی^۵، شناسه‌های شخصی فاعلی، واژه‌بست‌های (عامل) فاعلی^۶، و واژه‌بست‌های (عامل) مفعولی^۷.

۲-۱. ستاک فعل

به عقیده زبان‌شناسانی چون کاتامبا و اشتنهام (۲۰۰۶) و بوی (۲۰۰۷) اگر وندهای تصریفی یک واژه را حذف نماییم، ستاک واژه به دست می‌آید که به نوبه خود می‌تواند ساده (=ریشه یا ماده فعل) یا مرکب باشد. در کُرته هر فعل واژگانی دارای دو ستاک گذشته و حال می‌باشد که کاربرد اصلی ستاک گذشته در صورت‌های تصریفی افعال خودایستای نظام گذشته، و کاربرد اصلی ستاک حال در ساختمان افعال خودایستای نظام غیرگذشته است.^۸ به علاوه، ستاک گذشته در ساختمان مصدر، فعل حال استمراری (ن.ک. ۲-۳-۳)، صفت مفعولی، صفت نسبی، و ستاک حال نیز در ساختار اسم فاعل این گویش به کار می‌رود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ preverbal

² verbal proclitic

³ subject proclitics

⁴ post-verbal

⁵ attributive copula

⁶ subject clitics

⁷ object clitics

^۸ از نظر زمان دستوری، دستگاه دستوری کُرته اساساً یک تقابل دو شقی را میان نظام گذشته (شامل زمان‌های گذشته ساده، گذشته نقلی و گذشته دور) و نظام غیرگذشته (شامل زمان‌های حال و آینده) نشان می‌دهد.

۲-۱-۱. ستاک گذشته

با حذف پسوند مصدرساز -en، ستاک گذشته در کُرتَه حاصل می‌شود که یک ستاک پیچیده^۱ محسوب می‌گردد؛ یعنی به نوبه خود حاصل ترکیب ستاک حال و پسوند گذشته‌ساز است (جدول ۱).^۲

جدول (۱) اشتقاق ستاک گذشته از مصدر

مصدر	معنی	ستاک گذشته	معنی
wuəštāt-en	ایستادن	wuəštāt	ایستاد
mošt-en	جارو زدن	mošt	جارو زد
košt-en	کشتن	košt	کشت
laget-en	چسبیدن	laget	چسبید
xont-en	خواندن	xont	خواند

براین اساس، می‌توان گفت در صورت پذیرش اشتقاق ستاک گذشته از مصدر، قریب به اتفاق ستاک‌های گذشته این گویش منظم یا باقاعده هستند، یعنی با حذف پسوند مصدرساز -en از صورت مصدری حاصل می‌شوند و در داده‌های پژوهش حاضر هیچ ستاک گذشته بی‌قاعده‌ای مشاهده نشد.

۲-۱-۲. ستاک حال

در کُرتَه ستاک حال یک ریشه فعلی بدون پسوند است؛ بدان معنا که ستاک حال با حذف پسوندهای گذشته‌ساز -t، -et، یا -āt از ستاک گذشته به دست می‌آید (جدول ۲).

^۱ complex

^۲ کُرتَه از آواهای ویژه‌ای شامل همخوان‌های /t/ (روان تک‌زنجی)، /t/ (روان چندزنجی)، /g^w/ (انسدادی، نرم‌کامی-لبی‌شده)، /h^w/ (سایشی، چاکنایی-لبی‌شده) و واژه‌های مرکب فرودین /tə/ و /uə/ بهره می‌گیرد که در پژوهش حاضر بدون توجه به پایگاه واجی آن‌ها استفاده شده‌اند؛ گرچه صدیقی‌نژاد و خلیفه‌لو (در حال انتشار) استقلال واجی تمام آواهای مزبور (به جز /h^w/) را در واجگان رودباری به اثبات رسانده‌اند.

جدول (۲) اشتقاق ستاک حال از ستاک گذشته

ستاک گذشته	معنی	ستاک حال	معنی
petār-t ^۱	با ولع خورد	petār	با ولع خور
der-t	پاره شد/کرد	der	پاره شو/کن
lag-et	چسبید	lag	چسب
kaš-et	کشید	kaš	کش
rast-āt	فرستاد	rast	فرست
wuəšt-āt	ایستاد	wuəšt	ایست

اما همانند زبان فارسی، در کُرته نیز رابطه میان ستاک حال و گذشته همه افعال قاعده‌مند و تابع نظم بالا نیست بلکه ستاک‌سازی برخی از افعال به صورت نامنظم، سماعی و دارای ماهیت ساختوازی خاص خود است، بدان معنا که نمی‌توان رابطه ساختوازی مشخصی میان صورت‌های ستاک حال و گذشته پیدا کرد. در یک تقسیم‌بندی کلی، ستاک‌سازی نامنظم را می‌توان به دو نوع تقسیم نمود:

الف: افعال غیرهم‌آوا^۱ که در آن‌ها هیچ شباهت آوایی بین ستاک حال و گذشته فعل وجود ندارد (جدول ۳).

جدول (۳) ستاک‌های گذشته و حال در چند فعل غیرهم‌آوا

مصدر	معنی	ستاک گذشته	معنی	ستاک حال	معنی
but-en	بودن	but	بود	hast	هست
yaht-en	آمدن	yaht	آمد	ā	آ
ĵat-en	زدن	ĵat	زد	deh	زن

^۱ suppletive

ب: افعالی که ستاک حال و گذشته آن‌ها از نظر واکه یا همخوان(های) پایانی متفاوتند و تغییرات آوایی آن‌ها، پس از حذف پسوند گذشته‌ساز، در گروه‌های زیر قابل بررسی است:

۱. h پایانی در ستاک گذشته ← č/z در ستاک حال (جدول ۴).

جدول (۴) تبدیل h به č/z

معنی	ستاک حال	معنی	ستاک گذشته	معنی	مصدر
سوزان	suəz	سوزاند	suəht	سوزاندن	suəht-en
سوز	soz	سوخت	soht	سوختن	soht-en
ریز (سببی)	riəč	ریخت (سببی)	riəht	ریختن (سببی)	riəht-en
ریز (غیرسببی)	reč	ریخت (غیرسببی)	reht	ریختن (غیرسببی)	reht-en

۲. s پایانی در ستاک گذشته ← d/z/nd در ستاک حال (با/بدون تبدیل واکه‌ای) (جدول ۵).

جدول (۵) تبدیل s به d/z/nd

معنی	ستاک حال	معنی	ستاک گذشته	معنی	مصدر
بست	band	بست	bast	بستن	bast-en
ادرار کرد	miəz	ادرار کرد	mest	ادرار کردن	mest-en
دید	did	دید	dist	دیدن	dist-en

۳. f پایانی در ستاک گذشته ← s/h/Ø در ستاک حال (جدول ۶).

جدول (۶) تبدیل f به s/h/Ø

معنی	ستاک حال	معنی	ستاک گذشته	معنی	مصدر
رو	r(a)	رفت	raft	رفتن	raft-en
افت	kah	افتاد	kaft	افتادن	kaft-en
خواب	h ^w as	خوابید	h ^w aft	خوابیدن	h ^w aft-en

۴. š پایانی در ستاک گذشته ← j/nd/s/r در ستاک حال (با/بدون تبدیل واکه‌ای) (جدول ۷).

جدول (۷) تبدیل š به j/nd/s/r

معنی	ستاک حال	معنی	ستاک گذشته	معنی	مصدر
گذار	her	گذاشت	hešt	گذاشتن	hešt-en
شوی	šuər	شست	šošt	شستن	šošt-en
نویس	newis	نوشت	newešt	نوشتن	newešt-en
نشسین	nend	نشست	nešt	نشستن	nešt-en
تفت ده	berəj	تفت داد	berešt	تفت دادن	berešt-en

۵. t پایانی در ستاک گذشته ← h/n در ستاک حال (با/بدون تبدیل واکه‌ای) (جدول ۸).

جدول (۸) تبدیل t به h/n

معنی	ستاک حال	معنی	ستاک گذشته	معنی	مصدر
زن	jan	زد	jat	زدن	jat-en
ده	dah	داد	dāt	دادن	dāt-en
شو	bah	شد	but	شدن	but-en

۶. تبدیل واکه‌ای در ستاک حال (جدول ۹).
جدول (۹) تبدیل واکه‌ای در ستاک حال

معنی	ستاک حال	معنی	ستاک گذشته	معنی	مصدر
میر	mer	مُرد	mort	مردن	mort-en
خور	h ^w ar	خورد	h ^w ärt	خوردن	h ^w ärt-en
ریس	rɪəs	ریسید	rest	ریسیدن	rest-en
بَر	bar	بُرد	bort	بردن	bort-en

self?

«او با گوسفندان خود چه کرد؟»

(4) dawār ?ali šom-om h^wā.
 home PN¹ dinner-CLT.SUB.1SG eat.PAST.3SG

«(من) منزل علی شام خوردم.»

البته فرایند واجی حذف همخوان(های) پایانی از ستاک فعل گذشته ساده متعدی در ساخت کُنایی دوگانه، عمومیت ندارد و موارد نقضی برای آن یافت می‌شود مثلاً در نمونه‌های زیر ستاک گذشته ساده فعل متعدی در جایگاه پایانی جمله قرار گرفته است در حالی خوشه پایانی دو/سه همخوانی آن حفظ شده است:

(5) bey če na-t-šošt?
 for what NEG²-CLT.SUB.2SG-wash.PAST.3SG

«چرا (ظرف‌ها را) نشستی؟»

(6) guəšt-on-eš toromst.
 meat-PL-CLT.SUB.3PLcut.PAST.3SG

«گوشت‌ها را خُرد کردند.»

نکته مهم آن‌که اگر فعل متعدی گذشته، تنها سازه تشکیل دهنده یک جمله باشد (نمونه ۷)، واژه‌بست فاعلی به صورت پی‌بستی به آن افزوده می‌شود، ولی در صورتی که عنصر منفی‌ساز قبل از ستاک فعل متعدی قرار گیرد (نمونه ۸)، واژه‌بست فاعلی یا به صورت پیش‌بستی و یا پی‌بستی به ستاک فعل می‌پیوندد:

(7) jat(-ent)-om.
 hit.PAST(-CLT.OBJ³.3PL)-CLT.SUB.1SG

«زدم(شان).»

(8) a. na-t-bo?
 NEG-CLT.SUB.2SG-take.PAST.3SG

¹ proper noun

² negation marker

³ object

«نبردی؟»

b. na-bort-et?

NEG-take.PAST-CLT.SUB.2SG

«نبردی؟»

۲-۲. سازه‌های پیش فعلی

این قسمت به توصیف و معرفی شش عنصر تصریفی فعل واژگانی خودایستای کُرتَه اختصاص یافته است که همواره پیش از ستاک فعل قرار می‌گیرند (به استثنای واژه‌بست‌های فاعلی. ر.ک. ۲-۲-۳).

۲-۲-۱. پیش‌بست فعلی a-(?)

پیش‌بست فعلی a-(?) در کُرتَه تکواژی معادل mi- در فارسی امروزی ایران است که به لحاظ دستوری با نظام‌های غیرگذشته و گذشته به کار می‌رود. براساس آهنگر و همکاران (۱۳۹۲: ۲۷) میان پژوهشگران در مورد تعیین پایگاه این تکواژ به عنوان پیشوند یا پسوند فعلی وحدت نظر وجود ندارد؛ چرا که برای نمونه بارانزهی (۲۰۰۳) و آکسنوف (۲۰۰۶) آن را وندی می‌دانند که به صورت بی‌بستی به واژه قبل از فعل پیوند می‌خورد ولی جهانی و کُرُن (۲۰۰۹: ۶۶۲) آن را «جزء فعلی»^۱ نامیده‌اند اگرچه در شواهد ارائه شده، آن را به صورت پیشوندی به انتهای سازه پیش از فعل افزوده‌اند. در همین راستا، آهنگر (۲۰۰۷) و نیز آهنگر و همکاران (۱۳۹۲) با اتخاذ نظرگاهی روشن‌تر، آن را جزء فعلی می‌دانند که به [پایان] عنصر پیش از فعل می‌پیوندد. این در حالی است که جهانی و همکاران (۲۰۱۲) محتاطانه از دو عنوان جزء فعلی و

¹ verbal element

IMP¹-hold.PRES.2SG V.CLT-eat.PRES-CLT.SUB.1SG

«صبر کن، می‌خورم.»

ب: نزدیک‌تر بودن آن به ستاک فعل درمقایسه با تکواژهای منفی‌ساز و واژه‌بست‌های

فاعلی پیش‌بستی که هر سه سازه‌های پیش‌فعلی‌اند:

(11) maga (?a)-na-t-a-donest?

whether V.CLT-NEG-CLT.SUB.2SG-V.CLT-know.PAST.3SG

«مگر نمی‌دانستی؟»

همان‌گونه که در نمونه (۱۱) مشاهده می‌شود پیش‌بست فعلی (?a)- از دو تکواژ پیش‌فعلی منفی‌ساز na- و واژه‌بست فاعلی پیش‌بستی t- به ستاک فعل نزدیک‌تر است و بیان‌گر ارتباط نزدیک‌تر و پیوند مستحکم‌تر آن با ستاک فعلی و در نتیجه، مؤید فرضیه پیشنهادی نگارندگان مبتنی بر پیش‌بست فعلی بودن آن در کُرتَه می‌باشد.^۲ البته رواج جملاتی مانند نمونه (۱۲) در میان گویشوران کُرتَه که در آن‌ها تکواژ منفی‌ساز نزدیک‌تر از پیش‌بست فعلی (?a)- به ستاک فعل است، هیچ منافاتی با فرضیه پیشنهادی نگارندگان حاضر ندارد.

(12) na, ?a-na-ra-m.

no, V.CLT-NEG-go.PRES.1SG

«خیر، نمی‌روم.»

به علاوه، در افعال منفی زمان حال در برخی از گونه‌های کُرتَه، توالی تکواژ منفی‌ساز na- و پیش‌بست فعلی (?a)- سبب هم‌وقوعی دو واکه مجاور و در نتیجه رخداد فرایند کشش جبرانی، یعنی کشش واکه a، می‌گردد (نمونه ۱۳).

(13) na-a-ra-m → na:-ra-m.

¹ imperative mood marker

^۲ در برخی از گونه‌های کُرتَه و در ساختار افعال گذشته متعلی منفی با واژه‌بست فاعلی پیش‌بستی (ن. ک. ۲-۲-۶) شاهد وقوع دوگانه واژه‌بست فعلی (?a)- می‌باشیم: یکی در اولین جایگاه و دیگری قبل از ستاک فعل که مورد دوم در همه گونه‌ها عمومیت دارد.

NEG-V.CLT-go.PRES.1SG → NEG.V.CLT-go.PRES.1SG

«نمی‌روم.»

همچنین ذکر شد آهنگر (۲۰۰۷)، جهانی و همکاران (۲۰۱۲) و نیز آهنگر و همکاران (۱۳۹۲) آن را واژه‌بستی دانسته‌اند که به صورت پی‌بستی به انتهای واژه ماقبل فعل در جمله می‌چسبد، اما شواهد زیر وجود این امکان در کُرته را رد می‌نماید.

الف: فعل مرکب:

(14) a. hasan guəl-et a-ĵan.
PN gull-CLT.OBJ.2SG V.CLT-hit.PRES.3SG

«حسن گولت می‌زند.»

b. ?a-na-ĵan.
V.CLT-NEG-hit.PRES.3SG

«نمی‌زند.»

ب: افعال تک‌مفعولی:

(15) a. māšīn-et ?a-foruəš-ey?
car-CLT.GEN¹.2²SG V.CLT-sell.PRES-2SG

«ماشینت را می‌فروشی؟»

b. na, ?a-na-foruəš-om.
no, V.CLT-NEG-sell.PRES-1SG

«خیر، نمی‌فروشم.»

ج: افعال دو مفعولی:

(16) a. pā keyə pul-on bā-mard
then when money-PL DIM³-man
?a-dah-ey?
V.CLT-give.PRES-2SG

«پس کی پول‌های (آن) مردیکه را (پس) می‌دهی؟»

¹ genitive (possevive)² Second person³ diminutive

b. **ʔa-dah-am-i xo.**

V.CLT-give.PRES-1SG-CLT.OBJ.3SG

«خب، می‌دهمش.»

شواهد (۱۴b)، (۱۵b) و (۱۶b) اثبات می‌کند که جایگاه پیش‌بست فعلی a-ʔ) در نمونه‌های ۱۴a، ۱۵a و ۱۶a نیز همواره قبل از ستاک فعل است، نه در انتهای سازه ماقبل فعل؛ چرا که در غیر این صورت با حذف آن سازه‌ها از این جملات، ناگزیر می‌بایست پیش‌بست فعلی a- نیز حذف گردد، که چنین نشده است.

از دیگر شواهد موجود در تایید ادعای پیش‌بست فعلی بودن تکواژ a-ʔ) در گویش کُرتّه، اشاره به کاربرد آن در گونه‌های زبانی هم‌خانواده این گویش، از جمله لهجه بندرعباسی (نمونه ۱۷) و گویش بَشاکردی جنوبی (نمونه ۱۸) است.

(17) **mo-a-go ma-ra!**
CLT.SUB.1PL-V.CLT-tell.PAST.3SG PROH¹-go.PRES-2SG

«می‌گفتیم (با او) نرو!»

(18) **š-a-vā ra-ehn**
CLT.SUB.3PL-V.CLT-want.PRES.3SG SUBJ².go.PRES-3PL

ba yāngohr.

to Angohrān

«می‌خواهند به انگهران بروند.»

شواهد برون گویشی (۱۷) و (۱۸) نیز مؤید این نکته است که تکواژ a-ʔ) در نظام دستوری گروه گویش‌های بَشاکردی نقش پیش‌بست فعلی را ایفا می‌نماید. به هر روی، نمونه‌های (۹) تا (۱۸) ثابت می‌نمایند تکواژ a-ʔ) در کُرتّه نقش پیش‌بست فعلی را ایفا می‌کند که اغلب (با/بدون فاصله) قبل از ستاک فعل ظاهر می‌گردد. در ادامه کارکردهای این پیش‌بست در گویش مزبور بررسی می‌شود.

¹ prohibition marker² subjunctive mood marker

نظام غیرگذشته (زمان‌های حال و آینده): در زمان‌های حال ساده و آینده ساده بیانگر وجه اخباری^۱ (نمونه ۱۹)، و در زمان حال استمراری بیانگر نمود ناقص^۲ (نمونه ۲۰) است:

الف) حال ساده:

(19) wāš-i ?a-guə-m.
to-3SG V.CLT-tell.PRES-CLT.SUB.1SG

«به او می‌گویم.»

ب) حال استمراری:

(20) ?a-raft-en-en sar hondeg yāser.
V.CLT-go.PAST-PROG³-3PL head wedding PN

«دارند به مجلس عروسی یاسر می‌روند.»

در نمونه ۲۰، ?a- بیانگر نمود ناقص و پسوند فعلی -en- نشانه استمرار می‌باشند.

نظام گذشته: در زمان گذشته ساده بیانگر وجه اخباری (نمونه ۲۱) و در زمان گذشته استمراری بیانگر نمود ناقص (نمونه ۲۲) می‌باشد:

الف) گذشته ساده:

(21) har ruəz g^war mon ?a-yah.
every day near me V.CLT.come.PAST.3SG

«هر روز پیش من می‌آمد.»

ب) گذشته استمراری:

(22) ham-d(on) dāšt ?a-h^wārt-i.
EMPH⁴-herehave.PAST.3SG V.CLT-eat.PAST-CLT.SUB.3SG

«همین جا داشت (غذا) می‌خورد.»

¹ indicative mood

² imperfective aspect

³ progressive marker

⁴ emphatic

ب: حال التزامی:

(27)	xodā	kan	na-r-uə.
God	SUBJ.do.PRES.3SG		NEG-go.PRES-3SG

«خدا کند (که) نرود.»

ج: گذشته اخباری:

(28)	na, g ^w ar	lil	na-raft-en.
no,	near	PN	NEG-go.PAST-3PL

«خیر، پیش لیل نرفتند.»

د: گذشته نقلی:

(29)	mon	āwuəd(on)	na-but-a-m.
I	there		NEG-be.PAST-PP ¹ -1SG

«من آنجا نبوده‌ام.»

ه: گذشته دور:

(30)	kāškiə	na-raft-atom.
I wish		NEG-go.PAST-COP ² .PAST.1SG

«کاش نرفته بودم.»

۲-۲-۳. پیشوند نهی

برای بیان فعل نهی (= امر منفی) در گُرتَه از پیشوند فعلی *na-* (و در برخی گونه‌ها، *ma-*) استفاده می‌شود. البته کاربرد فعل نهی مستقیم تنها محدود به مخاطب‌های دوم شخص مفرد (نمونه ۳۱) و جمع (نمونه ۳۲) است، حال آن‌که امکان ساخت فعل نهی غیرمستقیم برای مخاطب‌های سوم شخص مفرد (نمونه ۳۳) و جمع (نمونه ۳۴) نیز وجود دارد:

(31)	ʔa-guə-m	kel-i	na-ra!
	V.CLT-tell.PRES-1SG	with-CLT.OBJ.3SG	PROH-go.PRES.2SG

¹ past participle marker² copula

«(به تو) می‌گویم همراهش نرو!»

(32) ʔa-guə-m kel-i

V.CLT-tell.PRES-1SG with-CLT.GEN.3SG

na-ra-y-ə!

PROH-go.PRES-HI¹-2PL

«(به شما) می‌گویم همراه او نروید!»

(33) wāš-i bo-guə na-r-uə!
with-CLT.SUB.3SG IMP-tell.PRES.2SG PROH-go.PRES-3SG

«(به او بگو نرو.)»

(34) goht-et na-ra-n?
tell.PAST-CLT.SUB.2SG PROH-go.PRES-3PL

«(به آنها) گفتی نروند؟»

۲-۲-۴. پیشوند وجه التزامی

نشانه غالب وجه التزامی در این گویش نیز پیشوند *be-* است که با صورت‌های حال التزامی به کار می‌رود:

(35) ʔage be-dah-an o be-ger-en
if SUBJ-give.PRES-3PL and SUBJ-take.PRES-3PL
xob-en.
good-COP.PRES.3SG

«اگر بدهند و بگیرند، خوب است.»

افزون بر این، تکواژگونه التزامی تهی [Ø-] نیز با صورت‌های گذشته دور (نمونه ۳۶)، گذشته التزامی (نمونه ۳۷)، افعال پیشوندی به تمام زمان‌های دارای وجه التزامی (نمونه ۳۸) و افعال مرکب به تمام زمان‌های دارای وجه التزامی (نمونه ۳۹) به کار می‌رود:^{۱۵}

(36) ʔage Ø-dist-atet,
if SUBJ-see.PAST-COP.PAST.2SG,
če-t a-ko?¹ hiatus

what-CLT.SUB.2SG

V.CLT-do.PAST.3SG

«اگر (او را) دیده بودی، چه می‌کردی؟»

(37) ʔage Ø-raft-ey, pa dorost-en.
if SUBJ-go.PAST-2SG, thus correct-COP.PRES.3SG

«اگر رفتی، پس درست است.»

(38) ʔor-i Ø-ger-ey h^waš ne-h-en.
up-CLT.OBJ.3SGSUBJ-pick.PRES-2SG nice NEG-HI-
COP.PRES.3SG

«آن را برداری خوب نیست.»

(39) wāz-i Ø-kan-om xo, gār
open-CLT.OBJ.3SGSUBJ-do.PRES-1SG then, missing
a-b-i.
V.CLT-become.PRES-3SG

«(اگر) آن را باز کنم که، گم می‌شود.»

یادآوری می‌شود کاربرد مثال‌هایی چون فعل التزامی مورد اشاره در نمونه (۳۵)، تلاش برای یافتن توجیه آوایی برای کاربرد تکواژگونه التزامی تهی [Ø-] در نمونه (۳۶) را با مشکل مواجه می‌سازد؛ چرا که هر دو ماده فعلی با همخوان انسدادی واکدار /d/ آغاز می‌شوند، با این حال، در نمونه (۳۵) پیشوند التزامی be- ولی در نمونه (۳۶) تکواژگونه التزامی تهی [Ø-] به کار می‌رود. از بررسی فرایندهای آوایی مرتبط با پیشوند وجه التزامی کُرته نتایج زیر حاصل می‌شود:

الف: در اتصال به ستاک‌های دارای واکه‌های o, u یا uə به دلیل رخداد فرایند هماهنگی

واکه‌ای^۱ به صورت تکواژگونه [bo-] نمود آوایی می‌یابد؛ مانند:

(40) če-towr-en **bo-guə-m**
what-sort-COP.PRES.3SG SUBJ-tell.PRES-1SG
bo-koš-en-t-i?
SUBJ-kill.PRES-3PL-HI-CLT.OBJ.3SG

^۱ vowel harmony

- (44) ʔage Ø-deh-ɪə-t-i,
if SUBJ-hit.PRES-CLT.SUB.2PL-HI-CLT.OBJ.3SG,
šāyadkabal kan.
perhapsacceptence do.PRES.3SG

«اگر (کتک) بزیندش، شاید قبول کند.»

جایگزین کردن صورت تصریفی مناسب از مصدر *dist-en* «دیدن» در نمونه (۴۴) به صورت *be-did-ɪə-t-i* خواهد بود که دارای پیشوند التزامی *be-* می‌باشد و بدین سبب نمی‌توان برای کاربرد تکواژگونه التزامی تهی [*Ø-*] در نمونه مذکور توجیه آوایی جامع و مانعی ارائه کرد.

- (45) ʔa-na-tāh-om ʔor-i
V.CLT-NEG-can.PRES-1SG up-CLT.OBJ.3SG
Ø-ger-om.
SUBJ-pick.PRES-1SG

«نمی‌توانم آن را بردارم.»

- (46) šāyad dar wā Ø-kan-en.
perhapsdooropen SUBJ-do.PRES-3PL

«شاید در را باز کنند.^۱»

۲-۲-۵. پیشوند وجه امری

تکواژ غالب برای ساختن امر مستقیم (مثبت) در کُرته پیشوند فعلی *be-* می‌باشد که تنها در صورت‌های تصریفی فعل امر دوم شخص مفرد (نمونه ۴۷) و جمع (نمونه ۴۸) به کار می‌رود:

- (47) hamuə-d(on) be-nend gāw-on be-ba(r).
EMPH-thereIMP-sit.PRES.2SG cow-PL IMP-take.PRES.2SG

«همانجا بنشین گاوها را ببر!»

- (48) be-ra-y-ə dawāf-on-uə!
IMP-go.PRES-HI-2PL home-PL-CLT.GEN.2PL

^۱ البته پیشوند التزامی *be-* نیز با افعال پیشوندی و مرکب به کار می‌رود.

«بروید خانه‌های تان!»

به علاوه، در این گویش تکواژگونه تهی [Ø-] نیز به منظور بیان وجه امری با صورت‌های امری فعل ربطی but-en «بودن» (نمونه ۴۹)، افعال پیشوندی (نمونه ۵۰) و افعال مرکب (نمونه ۵۱) به کار می‌رود:

(49) zu Ø-ba-h-iə
soon IMP-become.PRES-HI-2PL
be-band-iə-t-i.
IMP-tie.PRES-2PL-HI-CLT.OBJ.3SG

«زود باشید آن را ببندید!»

باید افزود یافتن توجیه آوایی مطمئنی برای کاربرد تکواژگونه امری تهی [Ø-] با فعل ربطی but-en «بودن» در نمونه (۴۹) دشوار می‌نماید؛ چرا که در نمونه مذکور، صورت امری از مصدر bort-en «بردن» که همانند فعل ربطی but-en «بودن» با همخوان /b/ آغاز می‌شود، با کمک تکواژ be-، و نه تکواژگونه امری تهی [Ø-]، ساخته شده است.

(50) ʔor-i Ø-ge(r/n)!
up-CLT.OBJ.3SG IMP-pick.PRES.2SG

«آن را بردار!»

(51) dar wā Ø-kan-iə.
door open IMP-do.PRES-2PL

«در را باز کنید!»

البته همانند پیشوند نهی، امکان ساخت صورت‌های فعلی امر غیرمستقیم برای مخاطب-های سوم شخص مفرد و جمع نیز وجود دارد.

(52) bo-guə bo-r-uə boz
IMP-tell.PRES.2SG IMP-go.PRES-3SG goat
bi-y-ār-i.
IMP-HI-take.PRES-CLT.SUB.3SG

«بگو برود بز را بیاورد.»

(53) bo-guə be-ra-n boz

IMP-tell.PRES.2SG IMP-go.PRES-3PL goat
 bi-y-ār-en.
 IMP-HI-take.PRES-CLT.SUB.3PL

«بگو بروند بز را بیاورند.»^۱

۲-۲-۶. واژه‌بست‌های فاعلی پیش‌بستی

دستگاه فعلی کُرته برای نشان دادن ویژگی‌های تصریفی شخص و شمار افعال گذشته متعددی از واژه‌بست‌های فاعلی بهره می‌گیرد که در جدول (۱۰) آمده‌اند.

^۱ به دلیل یکسان بودن صورت آوایی پیشوند وجه امری با پیشوند وجه التزامی در کُرته، فرایندهای آوایی مرتبط با آنها نیز دقیقاً یکسان می‌باشد که در این‌جا به ذکر یک شاهد از هر کدام اکتفا می‌شود:
 الف: در اتصال به ستاک‌های دارای واکه‌های /o, u یا /u/ و به دلیل وقوع فرایند هماهنگی واکه‌ای به صورت تکواژگونه [bo-] نمود آوایی می‌یابد:

(1) bo-suəz-i.
 IPM-burn.PRES.2SG-CLT.OBJ.3SG
 «بسوزانش!»

ب: در اتصال به ستاک‌های دارای همخوان‌های آغازین لبی شده /g^w/ و /h^w/، به صورت تکواژگونه [bo-] (نمونه ۲) و قبل از همخوان /y/ به صورت تکواژگونه [bi-] (نمونه ۳) تظاهر آوایی می‌یابد:

(2) ta ham-don bo-h^was.
 you EMPH-hereSUBJ-sleep.PRES-1PL
 «تو همین‌جا بخواب!»

(3) bi-y-ā be-nend.
 IPM-HI-come.PRES.2SG IMP-sit.PRES.2SG
 «بیا بنشین!»

ج: در برخی افعال ساده (نمونه ۴)، پیشوندی (نمونه ۵) و مرکب (نمونه ۶) تکواژگونه امری تهی [Ø-] استفاده می‌شود:

(4) Ø-deh-iə-t-i.
 IMP-hit.PRES-CLT.SUB.2PL-HI-CLT.OBJ.3SG
 «بز نیدش!»

(5) ?or Ø-ger (o) be-ra.
 up IMP-pick.PRES.2SG (and) IMP-go.PRES.2SG
 «بردار (و) برو!»

(6) dar wā Ø-kan-iə.
 door openIMP-do.PRES-2PL
 «در را باز کنید!»

جدول (۱۰) واژه‌بست‌های فاعلی کُرتَه

شخص و شمار	واژه‌بست فاعلی
1SG	-(o)m
2SG	-(e)t
3SG	-i(t)
1PL	-(i)n
2PL	-uə(t)
3PL	-(e)š

در این میان، در افعال واژگانی خودایستای متعدی گذشته منفی شامل گذشته ساده (نمونه ۵۴a)، گذشته نقلی (نمونه ۵۵a) و گذشته دور (نمونه ۵۶a) فاعل منطقی یا کنشگر به صورت واژه‌بست پیش‌بستی به خود ستاک فعل می‌چسبد حال آن‌که در گذشته مثبت شامل گذشته ساده (نمونه ۵۴b)، گذشته نقلی (نمونه ۵۵b) و گذشته دور (نمونه ۵۶b)، واژه‌بست‌های فاعلی در سطح جمله به صورت پی‌بستی به عناصر ماقبل فعل در جمله می‌پیوندند، نه به خود ستاک فعل اصلی (ن.ک. ۲-۳-۷):

- (54) a. bey če na-t-bo ?ey
for what NEG-CLT.SUB.2SG-take.PAST.3SG of
yāru-w-ak?
son-HI-DIM

«چرا پسر بچه را نبردی؟»

- b. bey če non-et
for what food-CLT.SUB.2SG
h^wā?
eat.PAST

«چرا غذا خوردی؟»

- (55) a. na-w-uə-dist-a ?ey hasan?
NEG-HI-CLT.SUB.2PL-see.PAST-PP of PN

«حسن را ندیده‌اید؟»

- b. ?ey hasan-uə dist-a?
ofPN-CLT.SUB.2PL see.PAST-PP

«حسن را دیده‌اید؟»

(56) a. kāškiə na-š-dāt-at.

I wish NEG-CLT.SUB.3PL-give.PAST-COP.PAST.3SG

«کاش (آن را پس) نداده بودند.»

b. kāškiə ʔey mon-eš dāt-at.

I wish to I-CLT.SUB.3PL-give.PAST-COP.PAST.3SG

«کاش (آن را) به من داده بودند.»

تنها استثناء بر قاعده کلی و کاربرد بالا، صورت‌های تصریفی مصدر h^wāst-en «خواستن» (در نقش فعل کمکی یا اصلی) است، بدان معنا که در کاربرد تمامی صورت‌های تصریفی غیرگذشته این مصدر (نمونه‌های ۵۷ و ۵۸)، واژه‌بست فاعلی همانند نمونه‌های ۵۴ تا ۵۶ به صورت پیش‌بستی به کار می‌رود تنها با این تفاوت که پیش‌بست فعلی a- بین ستاک فعل و واژه‌بست فاعلی واقع می‌شود:

(57) (ʔa-)na-m-a-h^wey.

(V.CLT-)NEG-CLT.SUB.1SG-V.CLT-want.PRES.3SG

«هیچ چیز) نمی‌خواهم.» (فعل اصلی)

(58) (ʔa-)na-m-a-h^wey

(V.CLT)NEG-CLT.SUB.1SG-V.CLT-want.PRES.3SG

be-did-om-i.

SUBJ-see.PRES-1SG-CLT.OBJ.3SG

«نمی‌خواهم او را ببینم.» (فعل کمکی)

۲-۳. سازه‌های پس فعلی

از نگاه کلی، عناصری که در جایگاه پس از ستاک فعل واژگانی خودایستای گُرتَه قرار می‌گیرند، مشتمل بر هشت سازه با نقش‌های ساختوازی-نحوی خاص خود به شرح زیر می‌باشند.

«خودش خراب نشد، تو خرابش کردی.»

اما گاهی افزودن این پسوندها به ریشه برخی از افعال سبب بروز تغییرات واکه‌ای در ریشه می‌گردد؛ مانند تبدیل واکه /a/ به /ā/ در شواهد نمونه (۶۱):

- (61) /ras/ + /in(t)/ → rāsin(t) «رساندن»
 /čar/ + /in(t)/ → čārin(t) «چراندن»

۲-۳-۳. پسوند استمراری

برای نشان دادن مقوله تصریفی استمرار و بیان نمود ناقص، کُرته در نظام غیرگذشته خود از پسوند -en بهره می‌برد و بدین منظور آن را بلافاصله پس از ستاک گذشته فعل قرار می‌دهد (نمونه ۶۲). باید گفت کاربرد این پسوند همواره مستلزم حضور پیش‌بست فعلی a- در ابتدای ساختمان فعل است.

- (62) ?a-raft-en-om šahr.
 V.CLT-go.PAST-PROG-1SG city
 «دارم به شهر می‌روم.»

به علاوه، کُرته از ساختار (فعل کمکی «داشتن»+ستاک (گذشته/حال) فعل) نیز برای بیان ساخت‌های استمراری استفاده می‌کند. گفتنی است ساخت استمراری به کمک پسوند -en در این گویش یکی از موارد وام‌گیری نحوی از گویش رودباری (مطلبی، ۱۳۸۵: ۱۹۹) و در اثر مجاورت و برخورد زبانی با آن است. بنابراین، به اعتقاد نگارندگان، ساخت بنیادین استمراری در کُرته همان بهره‌گیری از فعل کمکی dāšt-en «داشتن» است که هم برای زمان حال استمراری و هم زمان گذشته استمراری کاربرد دارد (جدول ۱۱)^۱.

^۱ - کاربرد این ساختار مستلزم حضور پیش‌بست فعلی a-? (به منظور نمایش نمود ناقص) نیز می‌باشد.

جدول (۱۱) صورت‌های تصریفی حال استمراری و گذشته استمراری از مصدر *mošt-en*

«جارو زدن»

شخص \ زمان	حال استمراری	گذشته استمراری
1SG	dār-om a-moš-om	dāšt-om a-mošt-om
2SG	dār-ey a-moš-ey	dāšt-ey a-mošt-et
3SG	dār-i a-moš-i	dāšt-Ø a-mošt-i
1PL	dār-in a-moš-in	dāšt-in a-mošt-in
2PL	dār-ɪə a-moš-ɪə	dāšt-ɪə a-mošt-uə
3PL	dar-en a-moš-en	dāšt-en a-mošt-eš

۲-۳-۴. نشانه صفت مفعولی

نشانه صفت مفعولی در کُرتَه تکواژ *a-* می‌باشد که به ستاک گذشته افعال لازم و متعدی افزوده شده و در ساخت افعال گذشته نقلی (نمونه ۶۳) و گذشته دور (نمونه ۶۴) به کار می‌رود.

(63) hanu na-raft-a-m dawār safā.
 yet NEG-go.PAST-PP-1SG home PN

«هنوز به منزل صفا نرفته‌ام.»

(64) mā-y-in h^wārt-at,
 we-HI-CLT.SUB.1PL eat.PAST-COP.PAST.3SG,
 maga ta-t
 whether you-CLT.SUB.2SG
 na-h^wārt-at?
 NEG-eat.PAST-COP.PAST.3SG

«ما (غذا) خورده بودیم، مگر تو نخورده بودی؟»

۲-۳-۵. فعل ربطی اسنادی

در کُرتَه فعل ربطی اسنادی در نظام‌های غیرگذشته و گذشته می‌تواند به صورت پی‌بستی به میزبانی از مقوله صفت، اسم، قید و یا فعل بچسبد. جدول (۱۲) صورت‌های

شش‌گانه و پی‌بستی فعل ربطی اسنادی غیرگذشته در گویش مزبور و نیز صورت‌های گذشته متناظر آن‌ها را نشان می‌دهد که به جز سوم شخص مفرد، با افزودن -at به صورت‌های غیرگذشته حاصل می‌شوند.

جدول (۱۲) تصریف صورت‌های پی‌بستی فعل ربطی اسنادی

نظام گذشته	نظام غیرگذشته	شخص و شمار
-atom	-om	1SG
-atey	-ey	2SG
-at	-en(t)/-an(t)	3SG
-atin	-in	1PL
-atiə	-iə	2PL
-aten(t)	-en(t)/-an(t)	3PL

جملات زیر نمونه‌هایی از کاربرد آن‌ها در زبان روزمره می‌باشند:

- (65) ʔāy ganuəg-i-y-en, wali ta
 (s)he crazy-IND¹-HI-COP.PRES.3SG, but you
 ganuəg-ter-ey.
 crazy-COMP-COP.PRES.2SG

«او دیوانه است ولی تو دیوانه‌تری.»

- (66) mo ham-uəd-atom, nāser-am
 I EMPH-there-COP.PAST.1SG, PN-too
 hast-at.
 be.PRES-COP.PAST.3SG

«من همان‌جا بودم، ناصر هم همان‌جا بود.»

باید افزود در آن دسته از جملات اسنادی غیرگذشته که مسندالیه آن‌ها دارای ساخت اضافی باشد و جزء پایانی آن ساخت اضافی نیز یک ضمیر پی‌بستی ملکی باشد، فعل ربطی اسنادی سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع غیرگذشته به صورت -ent- (و تکواژگونه [-ant-]) میان آخرین عنصر واژگانی مسندالیه و ضمیر ملکی قرار می‌گیرد.

¹ indefinite article

۲-۳-۶. شناسه‌های شخصی فاعلی

این شناسه‌ها که در نظام‌های غیرگذشته و گذشته همواره به صورت پس‌فعلی با افعال لازم به کار می‌روند، ویژگی‌های تصریفی شخص و شمار فعل را نشان می‌دهند. شناسه‌های شخصی فاعلی کُرته در نظام‌های غیرگذشته و گذشته در جدول (۱۳) نمایش داده شده‌اند.

جدول (۱۳) شناسه‌های شخصی فاعلی کُرته^۱

شخص و شمار	نظام غیرگذشته	نظام گذشته
1SG	-am / -om	-om
2SG	-āy/-ey(t)	-i
3SG	-i(t)/-ā/-uə	-∅
1PL	yn/-in	-in
2PL	-iə(t)	-iə
3PL	-an(t)/-en(t)	-en

باید افزود شناسه‌های شخصی فاعلی غیرگذشته در تصریف تمام افعال واژگانی متعدی نیز به صورت پس‌فعلی به کار می‌روند (نمونه ۷۲).

(72) dohtar-ak a-bar-om kaleganj tahwil
 girl-DIMV.CLT-take.PRES-1SG Qal'eganj deliver
 a-dah-am a-y-ā-m.
 V.CLT-give.PRES-1SG V.CLT-HI-come.PRES-1SG

«دختر بچه را می‌برم، قلعه گنج تحویل می‌دهم، می‌آیم.»

نمونه (۷۲) دارای تصریف دو فعل متعدی و یک فعل لازم با سه گونه آوایی متفاوت از شناسه شخصی فاعلی اول شخص مفرد در نظام غیرگذشته می‌باشد.

^۱ همخوان /t/ هنگامی در انتهای شناسه‌های مورد اشاره بروز آوایی می‌یابد که اولاً فعل متعدی باشد و ثانیاً بلافاصله پس از آن واژه‌بست مفعولی قرار گیرد که با واکه آغاز می‌گردد.

۲-۳-۷. واژه‌بست‌های فاعلی

همان‌گونه که در قسمت ۲-۲-۶ ذکر شد، در دستگاه فعلی کُرتَه واژه‌بست‌های فاعلی عهده‌دار نمایش ویژگی‌های تصریفی شخص و شمار در نظام گذشته افعال متعدی هستند. باید افزود برخلاف جملات گذشته منفی ذکر شده در ۲-۲-۶، در جملات گذشته مثبت معمولا این واژه‌بست‌های فاعلی به صورت پی‌بستی با/بدون فاصله به ستاک گذشته فعل متعدی می‌پیوندند. نمونه‌های ۷۳ و ۷۴ در زیر و نیز نمونه‌های ۵۴b، ۵۵b و ۵۶b نماینده کاربرد این واژه‌بست‌ها در زبان طبیعی‌اند.

- (73) weydiə dist-ent-om,
kol-eš
when see.PAST-CLT.OBJ.3PL-CLT.SUB.1SG all-CLT.GEN
mort-aten.
die.PAST-COP.PAST.3PL
«وقتی دیدم‌شان، همگی‌شان مرده بودند.»

- (74) a. pā pul-on?
where money-PL?
«پس پول‌ها (کجاست)؟»

- b. dāt-ent-om ey razā.
give.PAST-CLT.OBJ.3PL-CLT.SUB.1SG to PN
«به رضا دادم.»

شایان ذکر است این واژه‌بست‌ها در ساخت کُنایی دوگانه می‌توانند از جایگاه پس‌فعلی به جایگاه پیش‌فعلی حرکت نموده و یا حتی به صورت پی‌بستی به یکی از سازه‌های ماقبل فعل در جمله متصل شوند. به بیان دقیق‌تر، بر خلاف شناسه‌های شخصی فاعلی (ن.ک. ۲-۳-۶) که همواره به صورت ثابت و پس‌فعلی به ستاک فعل می‌پیوندند، واژه‌بست‌های فاعلی در ساخت کُنایی دوگانه دارای حرکت هستند؛ بدین صورت که می‌توانند یا در سطح ساختمان فعل از جایگاه پس‌فعلی به جایگاه پیش‌فعلی حرکت

کنند (نمونه ۸a) و یا در سطح جمله شناور شده و به صورت پی‌بستی به یکی از سازه‌های ماقبل فعل در جمله بپیوندند (نمونه‌های ۷۵ و ۷۶) که در این حالت، ستاک گذشته فعل همواره به صورت سوم شخص مفرد ظاهر می‌شود.

(75) **mon-om** **na-di.**
I-CLT.SUB.1SG NEG-see.PAST.3SG

«من ندیدم.»

(76) **zamin-eš** **ey ke foruəht-at?**
land-CLT.SUB.3PL to who sell.PAST-COP.PAST.3SG

«زمین را به چه کسی فروخته بودند؟»

در نمونه‌های (۷۵) و (۷۶) واژه‌بست‌های فاعلی به ترتیب به ضمیر فاعلی آزاد و مفعول صریح پیوسته‌اند.

۲-۳-۸. واژه‌بست‌های مفعولی

بسته به زمان دستوری ستاک فعل متعدی، دستگاه فعلی گُرتَه از دو دسته واژه‌بست مفعولی بهره می‌گیرد. این دو دسته همواره به صورت پس‌فعلی ظاهر شده و فاقد حرکت در جمله هستند، ولی به لحاظ صورت و نیز جایگاه ظهورشان در ساختار فعل واژگانی خودایستا تفاوت آشکار و اساسی دارند. بدین شرح که واژه‌بست‌های مفعولی نظام غیرگذشته (جدول ۱۴) پس از شناسه‌های فاعلی غیرگذشته، یعنی در جایگاه پایانی فعل متعدی واژگانی زمان حال قرار می‌گیرند (نمونه ۷۷) حال آنکه واژه‌بست‌های مفعولی نظام گذشته (جدول ۱۴) بلافاصله پس از ستاک گذشته فعل متعدی و قبل از واژه‌بست‌های فاعلی ظاهر می‌شوند (نمونه ۷۸).

جدول (۱۴) واژه‌بست‌های مفعولی گُرتَه

شمار و شخص	نظام غیرگذشته	نظام گذشته
1SG	-om	-om
2SG	-et	-i(t)

(غیر)گذشته؛ واژه‌بست‌های فاعلی که در ساخت کنایی دوگانه به صورت شناور و پی‌بستی به سازه‌های ماقبل فعل در جمله می‌پیوندند؛ و واژه‌بست‌های مفعولی که بر اساس زمان دستوری به دو دسته تقسیم می‌شوند و هر دو پس از ستاک فعل قرار می‌گیرند اما جایگاه ظهور آن‌ها متفاوت است. برآیند کلی پژوهش حاضر نیز آن است که ساختمان فعل واژگانی خوادیستای کُرتّه از امکانات و سازه‌های تصریفی متنوع و قابل توجهی برخوردار است.

فهرست منابع

- آهنگر، عباسعلی، محمودزهی، موسی و جمالزهی، فرزانه (۱۳۹۲) «ساختار تصریفی فعل در بلوچی سرحدی گرنچین»، *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، ۳.
- تجویدی، غلامرضا (۱۳۹۳) *واژه‌سازی انگلیسی: همراه با فرایندهای واژه‌سازی در انگلیسی و فارسی*، چاپ هشتم، تهران: سمت.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴) «ساختهای سببی در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبانشناختی فارسی* (مجموعه مقالات)، تهران: نشر دانشگاهی.
- دری، نجمه، خیراندیش، سید مریم و مُریدی، زینب (۱۳۹۲) «توصیف ساختمان فعل در گویش کوه‌شهری». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، ۴.
- شقایق، ویدا (۱۳۹۵) *مبانی صرف چاپ هشتم*، تهران: سمت.
- صدیقی‌نژاد، سپهر و خلیفه‌لو، سید فرید (در حال انتشار) «معرفی پاره‌ای از مختصات واجی منحصربه‌فرد گویش رودباری (کرمان)»، *ادب و زبان*.
- کریمی دادکان، پروانه (۱۳۹۱) *بررسی توصیفی ساختواژه بلوچی ساحلی*، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

محمدی‌نیا، مهدی (۱۳۷۳) واژگان گویش کُرتَه متداول در قلعه‌گنج کهنوج همراه با تحلیل واجی، ساخت‌واژه‌ای، معنایی و منظورشناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مطلبی، محمد (۱۳۸۵) «فعل در گویش رودباری (کرمان)» مطالعات ایرانی، ۹.

- Ahangar, A. A. (2007) "A Description of Verbal System in Sarhaddi Balochi of Granchin", *Orientalia Suecan*, 56.
- Akmajian, A. et.al (2010) *Linguistics: An Introduction to Language and Communication*, 6th edition, London: MIT Press.
- Anderson, S. R. (1998) "Morphological Theory" Newmeyer. F.J. (ed.) *Linguistics: The Cambridge survey I. Linguistic Theory: Foundations*, Cambridge, CUP: 146-191.
- Beard, R. (1995) *Lexeme-morpheme Base Morphology*, 1st ed, Albany: State University of New York Press.
- Booij, G. (2007) *The Grammar of Words: An Introduction to Linguistic Morphology*. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press.
- Crystal, D. (2012) *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. 4th ed. Oxford: Blackwell Publishing.
- Fasold, R. W. and Connor-linton, J. (2006) *An Introduction to Language and Linguistics*. 1st ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Haspelmath, M. and Sims A. D. (2010) *Understanding Morphology*. 2nd ed., London: Hodder Education, an Hachette UK Company.
- Jahani, C., Ahangar A. A., and Noorzaie M. (2012) "A Comparison among Aspect Markers in Balochi Dialects of Turkmenistan, Afghanistan, Sistani, Sarhaddi, Granchin Sarhaddi, Sarawani, and Koroshi". *First International Conference on Iran's Desert Area Dialects*. 1.
- Katamba, F. & Stonham, J. (2006) *Morphology*, 2nd ed. London: Palgrave Macmillan.
- Kiraz, G. A. (2004) *Computational Nonlinear Morphology*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Payne, T. E. (2006) *Exploring Language Structure: A Student's Guide*, 1st ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Stump, G. T. (2001) *Inflectional Morphology: A Theory of Paradigm Structure*, 1st ed. Cambridge: Cambridge University Press.